

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

" هر چه صبر و شکیبائی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت به یکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد، ترقی جامعه بهائی به طور کلی افزونتر خواهد گشت."

عنوان: گذشت و مدارا

فهرست:

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- ذکر دسته جمعی (به انتخاب جمع)

۴- منتخباتی از بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۵- منتخبات بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- امروز کیش یزدان پدید آر، ... کیشش نیکوکاری و آئینش بردباری.

۷- حکایت (گل سرخ خانم)

۸- شور و مشورت

۹- از حضرت علی (ع) بیاموزیم

۱۰- برنامه نوجوانان و نونهالان

قسمت اجتماعی

۱۱- الفت و پذیرائی

۱۲- حسن ختام

۱۳- مناجات خاتمه و یا ذکر دسته جمعی (به انتخاب عزیزان)

الها معبودا ملکا ملک الملوکا

از تو میطلبم تأیید فرمائی و توفیق عطا کنی تا به آنچه سزاوار ایام توسست عمل نمایم و قابل جود و کرم توسست مشغول گردم . ای کریم غافلان را ببحر آگاهی راه نما و کنیزانت را بانوار اسمت منور فرما و باعمال طیبه طاهره و اخلاق مرضیه مؤید دار. لک الحمد و الثناء و لک الفضل و العطاء. این نمله فانیه را بسرادق عرفانت راه نمودی و در ظلّ خباء مجدت مأوی دادی . توئی بخشنده و توانا و دانا و بینا.

ادعیه محبوب ص ۳۲۱

هُوَ اللَّهُ

ای خداوند تو آگاهی و دانا و بینا که آنی فراغت از یاد یارانت ندارم و بدون ذکر ایشان نفسی برنیارم و به جز لقایشان آرزویی ندارم محبتشان راحت جان است و لقایشان مسرت وجدان ای خداوند شکر ترا که یاران ارجمند را هوشمند فرمودی و هر مستمند را از کنز هدایت بهره مند کردی مواهب بیکران مبذول داشتی و بخشش بی پایان شایان فرمودی هدایت کبری رایگان بخشیدی و موهبت عظمی ارزان نمودی پس این یاران را در ملکوتت بزرگواری فرما و با یکدیگر رؤف و مهربان فرما تا هر یک بجهت دیگری جانفشانی نماید و گوهر افشانی کند و به میدان قربانی شتابد فیض رحمانی یابد و مواهب آسمانی جوید. ع ع

۴-منتخباتی از بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

در کتاب اقدس می فرمایند:

" وَمَنْ اعْتَاظَ عَلَيْكُمْ قَابِلُوهُ بِالرِّفْقِ وَالَّذِي زَجَرَكُمْ لَا تَزَجُرُوهُ دَعْوَهُ بِنَفْسِهِ وَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ الْمُنتَقِمِ الْعَادِلِ الْقَدِيرِ

در کلمات مکنونه می فرمایند:

ای برادران با یکدیگر مدارا نمائید و از دنیا دل بردارید بعزت افتخار منمائید و از ذلت ننگ مدارید قسم بجمالم که کل را از تراب خلق نمودم و البته بخاک راجع فرمایم

"۲" لَا تَعْتَدُوا عَلَيَّ مَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ لِيُظْهَرَ فَضْلُكُمْ وَ عَنَائِتُكُمْ بَيْنَ الْعِبَادِ كَذَلِكَ نَزَّلَ مِنْ قَبْلُ مِنْ سَمَاءِ مَشِيَّةٍ رَبَّنَا الْمُنَزَّلِ الْقَدِيمِ "

ص ۲۲۷ ۲۲۷ ج ۳۳ امر و خلق

و نیز می فرمایند:

"باید کل با یکدیگر به رفق و مدارا و محبت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند."

ص ۲۲۱ ۲۲۱ مجموعه اقتدارات

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"جوهر وصیت و نصح آنکه اگر از نفسی از اولیاء ترک اولی و یا عملی منافی ظاهر شود، اولیای امر به نصائح مشفقانه و مواعظ حکیمانه مع کمال شفقت و رفق و وداد او را آگاه نمایند و نصیحت کنند، البته آن کلمه چون لوجه الله ظاهر می شود، نافذ و معین و مربی است

لثالی حکمت ج ۳ ص ۳۷۸

"در هر دور و کوری امر به محبت و مدارا وارد ولی بهانه‌ای در میان بود و آن استحقاق و عدم استحقاق که فلان شخص مبعوض ومدبر است و فلان مرد خونخوار و متنقّر و اگر عفوی در میان بود شماتت و ملامت نیز با عفو و سماحت همعنان ولی در این دور جمیع این امور منسوخ و محبت و مهربانی از دل و جان با جمیع ملل منصوص ."

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۲۱۱

"...سزاوار چنان است که به جمیع نفوس به رافت و مدارا حرکت نماید و اگر کسی به معارضه و مجادله قیام کند بکلی سکوت نماید زیرا اگر به مقابله انسان برخیزد البته اسباب کدورت به میان آید و کدورت مورث غیظ و حدت گردد و غیظ و سورت نفس، منجر به ضلالت شود چنانچه جمال مبارک فرموده اند که اگر در میان دو نفر از یاران مجادله شود و در مسأله ای از مسائل الهیه مباحثه واقع گردد، منجر به اختلاف شود و اختلاف سبب توهین به امرالله..."

امروخلق ج ۳ ص ۲۴۵

و نیز می فرمایند:

...به طوری رفتار نمائید که قلبتان بالکل از شائبه بغض و کُره، مقدس و منزّه باشد. هرگز از احدی آزرده خاطر مباشید و اگر نفسی به شما خطائی ورزید و یا جفائی روا داشت، فی الحین از او درگذرید و زبان به شکایت احدی مگشائید. از توبیخ و سرزنش بالکل بیزاری جوئید و اگر خواستید شخصی را اندرز دهید و یا نصیحتی القاء نمائید به نحوی باشد که ابداً مستمع رنجور و دل آزرده نگردد. افکار را حصر در تسریر خاطر نفوس کنید. مبادا مبادا خاطر احدی را بیازارید. حتی المقدور به عالم انسانی مساعدت کنید. موجب تسلی و آرامش هر محزونی گردید. هر ضعیفی را دستگیر شوید، هر فقیری را یاور گردید و هر مریضی را پرستار شوید، هر افتاده ای را بلند کنید و هر مرعوب هراسان را ملجاء و پناه گردید.

زرو آتش ص ۱۵۶

مدارا و بردباری از مسائل و مباحثی است که در این عصر در جامعه شناسی و علوم اجتماعی در باره اش بسیار تحقیق کرده و می کنند. مردمان هر چه درجه تمدن شان کمتر و جهل شان بیشتر باشد همزیستی با دیگران برایشان مشکل تر است. این عدم بردباری یعنی طاقت یکدیگر را نداشتن و خود را برتر از همسایه انگاشتن و فکر و اندیشه خویش را بر دیگران تحمیل نمودن دردی ست جانکاه که با آن مردم جهان روی آسایش نمی بینند. ریشه این بیماری را در غرور و تعصب باید جست و در آنچه من دارم و می کنم و می اندیشم از دیگری بهتر است، حقیقت پیش من است، نژاد من سفید است و برتر از نژاد سیاه است، بهشت از آن من است... این گونه طرز تفکر چه آتش هایی را در جهان برپا کرده و هنوز می کند. این چه جهالت است و چه غفلت که انسان توقع داشته باشد که دیگران مثل ما باشند و مثل ما فکر کنند و اگر نباشند و نکنند مردودند و دشمن عنودند. ملاحظه فرمائید در عالم ظاهر دو انسان نیست که عیناً شکل هم باشند. همچنین در مقامات معنوی دو انسان را نمی توان یافت که عیناً مثل هم فکر کنند و یک نوع سلیقه داشته باشند. در مسائل خلقت به یک گونه بیاندهند حتی اگر در ظل یک دین باشند نمی توان انتظار داشت در مسائل دین خود با هم کیش خویش هم عقیده باشند. اگر بردباری و تحمل افکار دیگران در خانواده ای نباشد اساس محبت و یگانگی بین افراد آن خانواده برهم می خورد. اگر جامعه ای با استبداد رأی اداره شود آن جامعه از رشد و ترقی باز می ماند. ملاحظه در قرون وسطی نمائید که چقدر دانشمندان بودند که نتایج تحقیقات شان با اعتقادات مراجع رسمی دینی یا کشوری تفاوت داشته و آنان را به عنوان کفر و زندق آزردهند حتی کشتند و به آتش انداختند. حضرت بهاءالله با تعالیم خود به جهانیان هشدار داده که تحمل و شکیبایی و رفق و مدارا با یکدیگر پردازیم و جامه غرور از تن بیاندازیم. فقط آنچه را که خود می پنداریم درست ننگاریم، در نهایت حلم و مدارا تحقیق کنیم و با دیگران ایشان عادلانه به مشورت بنشینیم حضرت بهاءالله می فرماید: به راستی می گویم غافل ترین عباد کسی است که در قول مجادله نماید و بر برادر خود تفوق جوید. بگو ای برادران به اعمال خود را بیارائید نه به اقوال. و نیز می فرماید: جامه غرور را از تن برآرید و ثوب¹ تکبر از بدن بیاندازید. حضرت بهاءالله شارع دیانت بهایی در باره دین خود چنین می فرماید: امروز کیش یزدان پدید آر، جهاندار آمد و راه نمود، کیشش نیکوکاری و آئینش بردباری. این کیش زندگی پاینده بخشد و این آئین مردمان را به جهان بی نیازی رساند. این آئین بردباری امروز جامعه ای بین المللی بوجود آورده که پیروانش از هر نژاد و از هر قوم که قبلاً هر یک دینی داشته یا به کلی بی دین بوده اند با یکدیگر متحد ساخته و امروز بهائیان به بردباری و نیکوکاری در هر کشوری که هستند معروفند. حال آن که بسیاری از افراد این جامعه قبلاً نسبت به یکدیگر به کلی بی اعتنا بودند اما حال بر اثر ایمان به کیش یزدان که امروز پدیدار است و با زیارت آیات کتب مقدسشان چنین تربیت شده اند که هر جا که هستند همه را آشنا بینند و بیگانه نشمرند. حضرت بهاءالله می فرماید: وصیت می کنم شما را به رأفت و رحمت و حلم و امانت و صدق که شاید عالم تیره به عنایت سراج های اخلاق مرضیه و اعمال طیبیه روشن و منیر گردد. حضرت عبدالهء جانشین حضرت بهاءالله چنین می فرماید: که (الف ت با جمیع افراد انسانی در نهایت صدق و مهربانی و آشتی و راستی و حقیقت پرستی) باشد. آئین بهایی به پیروانش دستور داده است که غیر بهائیان را کافر و زندیق و مستحق عذاب و زجر و عتاب ندانند. این است که بهائیان در سراسر عالم در انتشار پیام محبت کوشا هستند و در راه وحدت عالم انسانی پویا و از خداوند طلب تأیید می کنند

۷- حکایت: (گلسرخ بیگم)

گلسرخ بیگم در خانواده مجتهدین و علماء پرورش یافته بود و در دین اسلام و معتقدات اسلامی بسیار متمسک بود هنگامیکه به شرف ایمان مشرف گردید چون کره نار درخشیدن آغاز نمود... خلق جدید شد و زندگانی گذشته اش تغییر کلی یافت در مطالعه الواح و آیات مبارکه و معاونت احباب و خدمت آنان آنی فراغت نداشت. گوهر گرانبهائی را یافته بود می خواست در طبق اخلاص تقدیم شوهر کند لیکن او قبول نمی کرد و شرعاً معاشرت با زنی که از دین خود خارج شده بود حرام می دانست و از زندگانی با او در حذر بود.

آن خانم مؤمنه مبلغین را دعوت می کرد و با او مقابله می کردند لیکن هیچکس نمی توانست آن همه بغض را از دل پرکینش خارج سازد وهمچنان کینه همسرش را در دل داشت و او را رنج می داد در عوض آن خانم در کمال محبت و خضوع و خشوع رفتار می نمود حتی یکبار که از شدت غضب دستش را به سمت او بلند کرد خانم غیور که قبلاً هرگز به چنین خفتی حاضر نمی شد دست او را بوسید و گفت خداوند چنین دستور فرموده که دست قاتل را ببوسید. این رفتار در شوهر مؤثر افتاد و او را به تفکر واداشت و آن شب در خواب مرغ زیبایی با منقاری بلند را دید که بر لب بام نشسته و این آیه قرآن را تلاوت می کند:

«الْمُ أَعْهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۚ ۶۰ وَأَنْ أَعْبُدُونِي ۚ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» ۶۱ سوره یاسین

یعنی

(خطاب آید) ای آدم زادگان، آیا به شما سفارش ننمودم که شیطان را نپرستید، زیرا روشن است که او دشمن بزرگ شماست؟! ۶۰! (و مرا پرستش کنید، که این راه مستقیم (سعادت ابدی) است؟!)

سید صادق بیدار شد و پس از خواب مجدداً این رویا سه بار تکرار گردید پس بر تعجبش افزود و با مهربانی بی سابقه ای همسر خویش را پیش خود خواند و عریضه ای را نوشته در صندوق گذارد و کاغذ سفید را به همسرش داد که به حضور حضرت عبدالبهاء بفرستد. چون جواب مبارک مطابق سؤال واصل گردید از دل و جان مؤمن شد و از قرینه رنج دیده اش پوزش اعمال گذشته طلبید و خدمات او را به دل و جان قبول نمود و او را در راه تبلیغ امرالله آزاد گذارد و از لسان حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداه به این بیانات مفتخر گردید:

" تا به حال چنین واقع نشده که نفسی در مقام امتحان از بنده ای از بندگان چیزی طلبد و سؤالی نماید و جوابی بشنود اما این عبد نظر به زحمات ضجیع آن جناب و همت بلندش در خدمت مسجونین و اسراء و شماتت اعداء و تحملش از انواع بلاها به سؤالات تو جواب دادم..."

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

هرچه صبر و شکیبائی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت به یکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد، ترقی جامعه بهائی به طور کلی افزونتر خواهد گشت."

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"ما باید نسبت به نقائص یکدیگر صبور و بردبار باشیم و همیشه سعی کنیم در میان احبای الهی، که به هر حال، نه تنها کامل نیستند بلکه هنوز در بسیاری از امور از حد بلوغ دور هستند ایجاد محبت و وحدت نمائیم. امر مبارک بنفسه بسیار عظیم است و بهائیان باید به بذل مساعی پردازند تا وسائلی کاملتر گردند تا حضرت بهاء الله مورد استفاده قرار داده هدف غائی خویش را تحقق بخشند.

زروآتش ص ۱۵۷

با توجه به این دو بیان مبارک تأثیر تخلق به فضیلت گذشت و مدارا در حیات فردی و جمعی ما به عنوان فردی بهائی چیست؟ در این زمینه چه تجاربی داشته اید؟

۹- از حضرت علی (ع) بیاموزیم

حضرت علی (ع) را پرسیدند چگونه است که هم دوست و هم دشمن، هم یار و هم اغیار، آن حضرت را چنین ارادت بدارند؟ فرمود: مَثَلِ عَالَمٍ مَثَلِ رِیْسَمَانِی است که یک سرش در دست ناس است و سر دیگرش در دست من. هرچه بیشتر کشند بیشتر بنهم و هر قدر محکم کنند، ملایمتر نمایم. بر این طریقت ریسمان هیچگاه سخت شود و هیچ سوئی به سختی نیفتد. و بدانید که سر مردم داری و بنده نوازی در همین است و الا در مقابله به مثل، ریسمان مراودت و مرافت کشیده شود و به ابرام در آن، آنقدر کشیده شود که ببرد و علائقها از هم بگسلد و در این بریدن، هر دو سر را، سر بر زمین خورد و سپس سر به دشمنی و عناد بلند کند.

گلستان جوانی ص ۳۲۲-۳۲۳

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"حقیقت این است که هیچ چیز شیرین تر از آن نیست که نفسی در حق کسی که به او بدی نموده،خوبی کند.هرزمان که به خاطرش می گذرد که نسبت به اعداء خود احسان نموده و محبت روا داشته ،قلب او مسرور می شود"

زروآتش ص ۱۶۰